

فرا نظریه اسلامی در حوزه علوم انسانی (روابط بین الملل)

پیشگفتار

کلیه نظریه های روابط بین الملل، برمبانی فرانظری خاصی استوارند. همه این نظریه ها بر مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی و روش شناختی خاصی مبتنی هستند. براساس این اصول، مبانی و پیش فرض های فرانظری، روابط و نظام بین المللی که هر یک از این نظریه ها، مورد مطالعه قرار می دهد از دیگری متفاوت است. یک نظریه اسلامی روابط بین الملل، در صورت وجود نیز از این قاعده مستثنی نیست. یعنی این نظریه نیز بر مبانی فرانظری خاصی مبتنا می یابد که آن را از سایر نظریه های روابط بین الملل متمایز می سازد که و رقابت با آنها می پردازد. در این مقاله تلاش می شود تا این اصول و مبانی فرانظری استخراج و تبیین شود. بنابراین، این نوشتار، زمینه و بستر لازم برای پردازش و ارائه یک نظریه اسلامی روابط بین الملل را براساس آموزه های اسلام فراهم می سازد؛ به طوری که اصول و مبانی فرانظری استخراج شده می تواند به عنوان پیش فرض های این نظریه در قالب مبانی علم شناسی و دین شناسی آن، مورد استفاده قرار گیرد.

نوشتار حاضر برگرفته از یک نشست تخصصی است که در دانشگاه عالی دفاع ملی با حضور صاحب اثر جناب آقای سید جلال دهقانی فیروز آبادی برگزار گردیده است. امید این مطلب بتواند در بسط و توسعه اندیشه ناب اسلامی در موضوع شناخت نظریه پردازی روابط بین الملل کمک نماید.

تعریف فرانظریه

فرانظریه روابط بین الملل عبارت است از یک گفتمان نظام مند یا نظریه ای در مورد نظریه / نظریه های روابط بین الملل که چپستی، چگونگی، ساختار، مبانی، مفروضه ها و پیش فرض های زیربنایی نظریه های موجود و اصول و قواعد لازم برای تدوین نظریه مطلوب و تحلیل آن را توصیف و تبیین می کند. فرانظریه روابط بین الملل گزاره ها و احکام تحلیلی و تبیینی درباره نظریه روابط بین الملل بایسته و شایسته به طور عام، در مقام ثبوت، یا یک نظریه مشخص و تحقق یافته روابط بین الملل، در مقام اثبات است.

تفاوت فرانظریه با نظریه

فرانظریه روابط بین الملل، به عنوان فلسفه نظریه، نظریه ای است درباره نظریه/نظریه های روابط بین الملل؛ فرانظریه روابط بین الملل به پرسش ها و مسائل نوع دوم در روابط بین الملل می پردازد. از این رو، هدف فرانظریه روابط بین الملل تفهم نظریه های موجود، تدوین نظریه جدید و تأسیس فرانظریه نوین است. نظریه روابط بین الملل، از سوی دیگر، معطوف و مربوط به واقعیت و پدیده های واقعی روابط بین الملل است. به گونه ای که نظریه محتوایی روابط بین الملل گزاره های جزئی در مورد ماهیت، ساختار و فرایند نظام بین الملل را ارائه می دهد. هدف این نظریه نوع اول توسعه و تعمیق شناخت و فهم دقیق تر و صحیح تر از سیاست و روابط بین الملل است.

از این رو، اگرچه ارتباط تنگاتنگی بین فرانظریه و نظریه محتوایی روابط بین‌الملل وجود دارد، ولی آن‌ها را نمی‌توان و نباید یکسان تلقی کرد. نمی‌توان و نباید انتظار داشت که فرانظریه روابط بین‌الملل به پرسش‌های درجه اول پاسخ دهد و در بردارنده نتایج نظریه محتوایی روابط بین‌الملل باشد.

ضرورت و اهمیت فرانظریه

فرانظریه یک جزء حیاتی و ضروری از تحلیل و تحقیق برای تبیین موضوع اصلی رشته روابط بین‌الملل است. اگر این ادعا درست باشد که معناداری واقعیت‌ها به نظریه بستگی دارد و نظریه نیز به نوبه خود برای کسب اعتبار و وجهت علمی به فرانظریه وابسته است پس فرانظریه روابط بین‌الملل از ضرورت و اهمیت معرفتی بسزایی برخوردار است.

فرانظریه روابط بین‌الملل یک انحراف از محتوا و مفاد اصلی رشته روابط بین‌الملل، یعنی تحقیق و تحلیل مبتنی بر و ملهم از اسناد و شواهد تجربی نیست.

فرانظریه بنیاد و مبنای نظریه پردازی موجه و تولید نظریه معتبر و زیربنای تحقیق و تحلیل‌های تبیینی منطقی و معتبر در روابط بین‌الملل است. به گونه‌ای که نادیده گرفتن فرانظریه و فرانظریه‌پردازی حاکی از کاستی و نقصان نظری و پژوهشی در رشته روابط بین‌الملل است.

انواع فرانظریه

۱- فرانظریه پسینی

نظریه‌ای است که به توصیف، تحلیل و تبیین مبانی و مفروضه‌های فلسفی زیرین نظریه‌های موجود روابط بین‌الملل و بستر و شرایط پردازش آن‌ها می‌پردازد.

این نوع فرانظریه پیش‌فرض‌ها و مفروضه‌های نهان و پنهان نظریه یا نظریه‌های موجود و مُحَقَّق در روابط بین‌الملل و ساختار زیربنایی و بستر اجتماعی آن را کشف می‌کند و درباره‌اش توضیح می‌دهد.

۲- فرانظریه پیشینی

به مطالعه نظریه روابط بین‌الملل در مقام ثبوت و چیستی و چگونگی آن در سطح وجودی می‌پردازد. این نوع فرانظریه مبتنی بر این تفکر فلسفی است که فلسفه علوم اجتماعی می‌تواند و باید به مفصل‌بندی و تدوین یک فرانظریه پیشینی بپردازد که به پردازش یک نظریه صادق بیانجامد.

فرانظریه پیشینی ماهیت وجودی (چیستی) نظریه، اعتبار و اعتبار یابی آن، چگونگی و الزامات نظریه و نظریه‌پردازی و عوامل تأثیرگذار بر این فرایند و مبانی فلسفی نظریه روابط بین‌الملل بایسته را تبیین می‌کند. به گونه‌ای که زمینه‌ها، مبانی، مفروضه‌ها و پیش‌فرض‌های فلسفی‌ای ارائه می‌شود که قواعد و منطق لازم برای نظریه‌پردازی و تدوین نظریه روابط بین‌الملل شایسته را فراهم می‌کند. در واقع مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی یک نظریه روابط بین‌الملل موجه و معتبر تدوین و تبیین می‌شود.

فرانظریه پردازی

بر پایه غایت و نهایت، فرایند فرانظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل در سطوح سه‌گانه و به سه نوع تفهیمی، تکوینی و تأسیسی تقسیم می‌شود که اهداف و کارکرد متفاوت و متمایزی دارند.

۱- فرانظریه‌پردازی سطح اول

تفهیمی بوده و ابزاری برای درک و فهم بهتر و عمیق‌تر نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل است. فرانظریه‌پردازی تفهیمی ماهیتی پسینی داشته و به‌منظور تعمیق شناخت از چیستی، چگونگی و مبانی نظریه‌هایی محقق در روابط بین‌الملل صورت می‌گیرد.

۲- فرانظریه‌پردازی سطح دوم

ماهیتی تکوینی و مولد دارد و پیش‌درآمدی برای تدوین، تولید و توسعه یک نظریه جدید است. فرانظریه‌پردازی مولد و تکوینی به‌منظور تولید یک نظریه نو متضمن و مستلزم خوانش انتقادی و بازخوانی نقدانه نظریه‌های موجود و رایج در روابط بین‌الملل است.

۳- فرانظریه‌پردازی سطح سوم

ماهیتی تأسیسی دارد که به‌منظور تولید و تأسیس یک فرانظریه عام و فراگیر روابط بین‌الملل انجام می‌گیرد.

- فرانظریه‌پردازی تأسیسی در سطح سوم بسیار فراتر از نقد نظریه‌های جاری و پردازش یک نظریه جدید در روابط بین‌الملل می‌رود.

نکته: هدف ارائه یک فرانظریه روابط بین‌الملل فراگیر است که تمامی یا بخش عمده‌ای از نظریه‌های موجود را پوشش می‌دهد. از این رو، فرانظریه‌پردازی تفهیمی و تکوینی، به‌عنوان پیش‌درآمد، برای فرانظریه‌پردازی سطح سوم لازم است ولی کافی نیست.

عناصر و ابعاد فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل

فرانظریه روابط بین‌الملل دارای پنج بعد جامعه‌شناختی، غایت‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است؛ اما غالباً ابعاد جامعه‌شناختی و غایت‌شناختی فرانظریه روابط بین‌الملل در ذیل معرفت‌شناسی آن بررسی می‌شود. همان‌گونه که انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی نیز در چارچوب هستی‌شناسی طرح و تبیین می‌شود؛ از این رو، دیدگاه مشهور و رایج فرانظریه دارای سه عنصر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است.

۱- هستی‌شناسی: در حوزه هستی‌شناسی چهار موضوع واقعیت و ماهیت روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی، کنشگران بین‌المللی، علیت و روابط علی و مسئله ساختار و کارگزار در نظریه/نظریه‌های روابط بین‌الملل تحلیل و تبیین می‌شود. به‌طوری‌که پیش‌فرض‌ها و مفروضه‌های نظریه موجود و مطلوب روابط بین‌الملل در مورد این مسائل چهارگانه واکاوی و توضیح داده می‌شود.

۲- معرفت‌شناسی: عنصر معرفت‌شناسی فرانظریه ناظر بر مطالعه و تبیین امکان شناخت و چگونگی حصول آن، ماهیت نظریه و دانش روابط بین‌الملل، منابع و ابزار شناخت، متعلق شناخت، ملاک و معیار صدق و کذب و چگونگی آزمون، اعتبار یابی و ارزیابی نظریه روابط بین‌الملل موجود و مطلوب است. در واقع بُعد معرفت‌شناختی فرانظریه متضمن و مستلزم کشف یا تدوین پیش‌فرض‌ها و مفروضه‌های معرفت‌شناختی نظریه روابط بین‌الملل است.

۳- روش‌شناسی: سه رهیافت فردگرایی، کل‌گرایی و رابطه‌گرایی روش‌شناختی در فرانظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل طرح و تکوین یافته است.

۱-۳- فردگرایی

شناخت روابط بین‌الملل را از راه تبیین و تحلیل پدیده‌های فردی و انسانی ممکن و موجه می‌داند؛ زیرا واقعیت‌های بین‌المللی در نهایت باید برحسب افراد تعریف شوند که قابل مشاهده و شناخت تجربی هستند و نه ساختارهای نامشهود. از این رو، شناخت کل‌ها نیز به شناخت افراد و اجزاء تحویل می‌یابد.

۲-۳- کل‌گرایی

شناخت اجزاء و افراد را به شناخت کل‌ها موقوف و تحویل می‌کند.

۳-۳- رابطه‌گرایی

رابطه‌گرایی تقلیل‌گرایی روان‌شناختی فردگرایی و جبرگرایی نهفته در کل‌گرایی را نقد و نفی می‌کند. چون فرد و کنشگر اجتماعی را باید در رابطه با زمینه اجتماعی‌اش و منطق موقعیت مطالعه کرد؛ یعنی بافتار و ساختاری که به کنش‌های فردی شکل و معنا می‌بخشد و فرد را قادر و محدود می‌سازد. از این رو، شناخت روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی متضمن و مستلزم هر دو روش‌شناسی است، به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام را نمی‌توان به دیگری تحویل و تقلیل داد.

هدف تدوین فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل

۱- تبیین چگونگی و الزامات نظریه‌پردازی اسلامی و عوامل تأثیرگذار بر این فرآیند و استخراج مبانی فلسفی این نوع نظریه؛ مبانی، مفروضه‌ها و پیش‌فرض‌های فلسفی‌ای ارائه می‌شود که قواعد و منطق لازم برای پردازش نظریه اسلامی روابط بین‌الملل را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، مبانی فلسفی به معنای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل تدوین و تبیین می‌شود.

۲- پردازش یک نظریه اسلامی محتوایی و جوهری روابط بین‌الملل از نوع اول مورد ادعا و انتظار نیست؛ بلکه تلاش می‌شود تا با پاسخ‌گویی به پرسش‌های درجه دوم، نظریه‌ای از نوع دوم بر مبنای مبانی و آموزه‌های اسلامی ارائه شود؛ لذا، مسائل و موضوعات تجربی و انضمامی جزئی در زمینه روابط بین‌الملل بحث و بررسی می‌شود و از سوی دیگر، مباحث به درجه نسبتاً بالایی انتزاعی است و و ماهیتی فلسفی و تجریدی دارد. با این حال، این فرانظریه اگرچه مستقیماً به پرسش‌ها و موضوعات درجه اول و انضمامی در مورد جزئیات و واقعیت‌های روابط بین‌الملل و نظام بین‌الملل نمی‌پردازد، اما به‌طور غیرمستقیم با آن‌ها ارتباط داشته و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

۳- پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوع اول با انجام پژوهش‌های عملی و نظری در مورد روابط بین‌الملل اهمیت و ضرورت دارد، اما تدوین و تبیین رهیافت فلسفی اسلام به هستی، انسان، ماهیت جامعه انسانی و جهانی و نسبت آن با جهان‌بینی‌های دیگر به فهم و درک بهتر و بیشتر روابط بین‌الملل و زندگی بین‌المللی می‌انجامد. بررسی و توضیح این‌که این تلقی و تعریف از انسان و جهان چه تأثیر و نقشی در نظریه‌پردازی و نظریه‌های روابط بین‌الملل دارد نیز از ارزش و اهمیت نظری و عملی برخوردار است.

۴- برای تدوین فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل باید بین معارف اسلامی و دانش روابط بین‌الملل ارتباط منطقی و مفهومی برقرار کرد، نه آنکه معارف اسلامی را در ذیل علم متعارف روابط بین‌الملل قرار داد. همان‌گونه که قرار دادن علم متعارف روابط بین‌الملل در چارچوب اسلام و معارف اسلامی و تلاش برای توجیه آن نیز وجهت و وثاقت ندارد.

۵- اگرچه ارتباط تنگاتنگی بین فلسفه علوم اجتماعی و فرانظریه وجود دارد، ولی این دو مترادف و یکسان نیستند. فرانظریه اخص از فلسفه علوم اجتماعی بوده و بخشی از آن به شمار می‌رود؛ زیرا علم اعم از نظریه است که در کانون آن قرار دارد. در چارچوب فلسفه علوم مختلف اجتماعی می‌توان فرانظریه‌های مختلفی را تدوین و استخراج کرد که چگونگی نظریه‌پردازی در آن علم را تبیین می‌کنند. فلسفه علم به این پرسش پاسخ می‌دهد که علم چگونه تکوین می‌یابد؛ فرانظریه به پاسخگویی این سؤال می‌پردازد که نظریه چگونه بر ساخته می‌شود.

۶- منظور از قید و صفت «اسلامی» برای فرانظریه روابط بین‌الملل، در اینجا، اسلام شیعی یا خوانش شیعی از اسلام است. همچنین این قرائت شیعی از اسلام نیز مبتنی بر فلسفه اسلامی و به‌ویژه حکمت متعالیه صدرایی و نوصدرایی است؛ از این رو، نباید انتظار داشت که این فرانظریه مورد اجماع و اتفاق نظر همه فرق و مذاهب اسلامی و قرائت آن‌ها از اسلام و روابط بین‌الملل باشد. همچنان که ممکن است رهیافت‌های نظری در دیگر شاخه‌های علوم و معارف شیعی، مانند رویکرد فقهی و نقلی نیز تعریف و تلقی متفاوتی از فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل داشته باشند.

۷- مبانی فرانظری اسلامی که در این نوشتار در قالب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تبیین و فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل بر پایه آن صورت‌بندی شده است، عمومیت دارد. به‌گونه‌ای که این مبانی سه‌گانه تنها به روابط بین‌الملل محدود و منحصر نشده و امکان کاربست آن‌ها در دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی نیز وجود دارد؛ اما وجه تمایز این نظریه که آن را ماهیت و هویت روابط بین‌المللی می‌بخشد، کاربست این مبانی در حوزه روابط بین‌الملل است. به‌طوری‌که دلالت‌ها و الزامات این مبانی فرانظری برای نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل تدوین و تبیین می‌شود.

۸- کاربرد مفهوم «جامعه انسانی» و «نظام اجتماعی» در این کتاب اطلاق و شمولیت داشته و در برگیرنده دو نوع داخلی و جهانی آن می‌شود. به‌طوری‌که از یک‌سو، نظام‌های اجتماعی درجه اول ناشی از عضویت بی واسطه افراد انسانی را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، نظام‌های اجتماعی درجه دوم متشکل از جمع‌های انسانی ناشی از عضویت باواسطه افراد انسانی مانند نظام بین‌الملل را نیز شامل می‌شود. از این رو، آنچه مسئله تفکیک «داخل» و «خارج» در نظریه روابط بین‌الملل نامیده می‌شود، در اینجا موضوعیت ندارد. بر همین اساس، منظور از کارگزاران اجتماعی نیز افراد و جمع‌های انسانی تشکیل دهنده نظام‌های اجتماعی درجه اول و دوم است.

مبانی فلسفی فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل

فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل مبتنی بر حکمت متعالیه صدرایی و نوصدرایی است که ملا صدرا تأسیس کرده و علامه طباطبایی و شاگردانش آن را شرح و بسط داده اند.

مهمترین اصول حکمت متعالیه به عنوان مبانی فلسفی فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل عبارتند از:

۱- اصالت وجود:

اصالت وجود، در مقابل اصالت ماهیت، بدان معناست که آنچه در عالم واقع و خارج از ذهن انسان حقیقت، عینیت، تحقق و اثر دارد، وجود است. در حالی که ماهیت‌های اشیاء که منشأ اختلاف، تفاوت، تعدد و کثرت آنهاست

اصالت ندارد. به گونه ای که، اشیاء و اعیان مختلف به رغم تفاوت های ماهوی که دارند به لحاظ وجود و واقعیت داشتن با هم مشترک هستند.

۲- وحدت شخصیه وجود

وحدت شخصیه وجود به این معناست که حقیقت وجود واحد بوده و همه موجودات و مخلوقات تجلیات و ظهورات وجود واحدی هستند و وحدت وجودی دارند. به گونه ای که تشکیک در مراتب ظهور و تجلی است نه در حقیقت و اصل وجود. از این رو، عالم وجود کثرت در عین وحدت است.

وحدت تشکیکیه وجود بدان معناست که حقیقت و اصل وجود مشکک بوده و دارای مراتب تشکیکی است. به گونه ای که همه موجودات و مخلوقات از درجه واحدی از وجود برخوردار نبوده و دارای مراتب وجودی مختلفی هستند. موجودات و مخلوقات تفاوت و تمایز مراتب وجود دارند که بر حسب اشتداد وجودی آنها تعریف می شود.

۳- حرکت جوهری

اشتداد وجود به معنای انتقال از یک مرتبه وجودی به مرتبه دیگر بوده که متضمن و مستلزم حرکت در وجود است. این حرکت ذاتی وجود که خروج تدریجی وجود از قوه به فعل است حرکت جوهری نامیده می شود.

۴- تشکیک علم

علم مساوق وجود بوده و یک حقیقت تشکیکی است. به گونه ای که علم نیز مانند وجود مشکک و دارای مراتب و درجات مختلف است. حقیقت تشکیکی علم متضمن اشتداد آن به معنای ارتقا از مرتبه ای به مرتبه دیگر است. از این رو، علم و معرفت انسان در اثر اشتداد وجودی او تحول و تکامل می یابد.

۵- ادراکات اعتباری

ادراکات اعتباری، ماهیتی اعتباری و وضعی دارند. ذهن ادراکات و مفاهیم اعتباری را برای رفع نیازهای انسانی و اجتماعی وضع و اعتبار می کند. در واقع ذهن بر مبنای واقعیت خارجی و حقیقی معانی و مفاهیم اعتباری را می سازد. به گونه ای که ذهن حد واقعیت های خارجی را به اموری که واجد آن نیستند نسبت می دهد و معنای حقیقی را در جایی که وجود ندارد به کار می برد. ذهن شی ای را مصداق مفهومی قرار می دهد که در عالم واقع و خارج مصداق آن نیست. مانند اعتبار کردن مفاهیم حاکمیت و خردمندی برای دولت.

۱-۵- انواع ادراکات

علامه طباطبایی، در چارچوب حکمت متعالیه، علم و ادراک را به دو دسته حقیقی و اعتباری تقسیم می کند.

۱-۱-۵- علم و اقتدار حقیقی

انکشاف و انعکاس ذهن از واقعیت خارجی و امر واقع است و وابستگی به عمل انسان ندارد. این نوع مفاهیم و ادراکات مستقل از نیازهای فردی و شرایط و موقعیت اجتماعی بوده و ملاک صدق آنها مطابقت با واقع به عنوان نفس الامر است.

این نوع ادراکات علوم حقیقی نامیده می شوند. کلیه علمی که متعلق و موضوع آنها واقعیت های خارجی است، علوم حقیقی هستند.

۵-۲- انواع اعتباریات

اعتباریات، بر اساس وابستگی و نسبتشان با اجتماع، به دو دسته قبل از اجتماع و بعد از اجتماع تقسیم می شوند. مهمترین اعتباریات قبل از اجتماع عبارتند از: حسن و قبح، وجوب، انتخاب اخف و اسهل، متابعت از علم استخدام و اجماع

مهمترین اعتباریات بعد از اجتماع که قوام و دوامشان وابسته و موکول به اجتماع انسانی است از این قرارند: ریاست، مالکیت، کلام یا زبان، امر و نهی و پاداش و جزا

۵-۲-۱- انواع اعتباریات اجتماعی

۱) اعتباریات مستمر

مانند زبان و ملک برای همه انسان ها و در همه جوامع مشترک است. مرجع اعتبار واقعیت های اعتباری انسان های عاقل و فطری هستند؛ عقل و فطرت نیز در انسان ها و جوامع انسانی مختلف مستمر و مشترک است. بعضی از نیازها برای همه انسان ها و جوامع انسانی مستمر و مشترک است که مستلزم اعتبار واقعیت های اجتماعی مشابه و مشترکی می باشد.

۲) اعتباریات و واقعیت های متغیر

ناشی از تغییر و تفاوت نیازها و خواست های فردی و اجتماعی است. این نوع از اعتباریات و واقعیت های اجتماعی تابعی از شرایط فردی و اجتماعی هستند که در صورت تغییر و تحول آنها نیز دگرگون می شوند. چون بعضی از نیازهای فردی و اجتماعی در طول زمان دستخوش تغییر و تحول می شود این اعتباریات و واقعیت های اجتماعی نیز متحول می گردند. از آنجا که انسان ها و جوامع مختلف نیز بعضی نیازهای متفاوت دارند در نتیجه اعتباریات و واقعیت های اجتماعی متفاوتی را اعتبار می کنند. این گونه اعتباریات تابعی از نیازهای متغیر حیات اجتماعی انسان هستند، با تغییر نیازها و شرایط اجتماعی دگرگون و متحول می شوند؛ از این رو، اعتبار آنها نسبی، موقت و غیرضروری است.

ویژگی های ادراکات و مفاهیم اعتباری

ادراکات و مفاهیم اعتباری دارای ویژگی هایی هستند که آنها را از ادراکات حقیقی متمایز می سازد. ادراکات و مفاهیم اعتباری تابع اهداف و نیاز های انسانی و شرایط اجتماعی بوده و دستخوش تغییر و تحول می گردند. با این حال، بعضی از اعتباریات، مانند اعتبار اجتماع، پایدار و ثابتند. رابطه تولیدی و استنتاجی مستقیم بین اعتباریات و حقایق وجود ندارد؛ به گونه ای که این دو را نمی توان مستقیماً از یکدیگر استنتاج کرد.

احکام اعتباریات عیناً مانند احکام حقایق نیست.

مفاهیم فرانظریه اسلامی روابط بین الملل

۱- اسلام

اسلام به عنوان دین حق مجموعه ای از باورها، احکام، ارزش ها و قوانین است که خداوند سبحان توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای هدایت، رستگاری و تأمین و تضمین حیات طیبه بشر نازل کرده است.

دین مبین اسلام جامع، جهانشمول و جاودان است که آموزه های آن با سنن الهی، قوانین ثابت طبیعت، احکام عقل سلیم، و فطرت انسان سازگاری کامل دارد.

اسلام به عنوان دین خاتم یک نظام ارزشی معیار را تأسیس می کند؛ این نظام متشکل از اصول، مبانی و ارزش های مبتنی بر تعالیم تأسیسی اسلام و ارزش ها و احکام عقلانی عام مبتنی بر عقل سلیم و فطرت انسانی سازگار با آن است.

۲- واقعیت

بر پایه نظریه اصالت وجود واقعیت و واقع، که نفس الامر نیز نامیده می شود، همان وجود است. به گونه ای که واقعیت یا وجود خارجی دارد یا به صورت بی واسطه یا با واسطه از راه تخیل و تعقل از آن انتزاع و اعتبار می شود. به گونه ای که واقعیت یا وجود خارجی دارد یا به صورت بی واسطه یا با واسطه از راه تخیل و تعقل از آن انتزاع و اعتبار می شود.

واقعیت عبارت است از مطلق موجود بماهو موجود به صورت کلی و نفس الامر نیز به معنای واقع با همه مراتبش می باشد. از این رو، واقعیت هر سه نوع عینی، ذهنی، و اعتباری را شامل می شود.

۳- صدق

صدق عبارت است از مطابقت صورت ذهنی با مطابق واقعی آن اعم از خارجی، ذهنی و اعتباری به معنای نفس الامر.

صدق علم اجتماعی نیز مطابقت صورت ذهنی حاصل از واقعیت اجتماعی با مطابق واقعی آن به معنای نفس الامر است.

ملاک صدق نیز شناخت خود معیار است که برحسب بازگشت به بدیهیات اولیه تعریف و تأمین می شود.

۴- علیت

علیت در واقع گرایی انتقادی اسلامی حاکی از آن است که در هر دو جهان طبیعی و اجتماعی، در اینجا جهان روابط بین الملل، امور دارای نیروهای علی واقعی هستند. اگرچه به علت تعدد و پیچیدگی این عوامل، مشاهده عملکرد این نیروهای علی سخت و دشوار و حتی گاهی اوقات غیرممکن است. این نیروهای علی، صرف نظر از اینکه مشاهده شوند یا نه، در جهان طبیعی و اجتماعی وجود دارند.

علت از یک سو شامل علت فاعلی، مادی، صوری، و غایی می شود؛ علت در برگیرنده علت عرضی، طولی، و تشکیکی می گردد؛ علت موجد، مبقیه، و معده نیز سه نوع علت دیگر هستند.

۵- عقلانیت

عقلانیت کل نگر فطری عبارت است از:

- تعیین و تعقیب اهداف و غایات شایسته و موجه (عقلانیت غایات)
- سازگار و همنا با ارزش ها، هنجارها و موازین اخلاقی (عقلانیت اخلاقی - هنجاری)
- معطوف به اصول و ارزش های دینی (عقلانیت دینی)

- از طریق بکارگیری کم هزینه ترین و آسان ترین ابزار و کوتاه ترین و کارآمدترین راهها و شیوه های مشروع و مقبول (عقلانیت ابزاری)

۶- علم

علم عبارت است از صورتِ مطابق با معلوم یا واقع، اعم از اینکه مطابق خارجی داشته باشد یا نه. علم و معرفت حقیقی در حکمت متعالیه را می توان به صورت باورِ صادقِ مطابق با واقع تعریف کرد که در فرآیند مواجهه و التفات فاعل شناسا با واقعیت حاصل می شود. علم هر دو دسته از ادراکات و علوم حقیقی ناظر بر واقعیت های خارجی و ادراکات و علوم اعتباری معطوف به واقعیت های اعتباری، اجتماعی و ذهنی را شامل می شود. شرط تحقق علم و معرفت مطابقت صورتِ ذهنی با مطابق واقعی آن اعم از خارجی، ذهنی و اعتباری به معنای نفس الامر است.

۷- علم به عنوان یک نظام معرفتی یا رشته مطالعاتی

مجموعه ای منطقی، همساز و مسنجم از گزاره های صادق، معتبر و موجهی است که با به کارگیری روش های موجه و مقبول در یک حوزه موضوعی خاص حاصل شده باشد. علم یک نظام تولید معرفت و منظومه معرفتی متشکل از گزاره های معرفتی منطقی همساز و مسنجم حول محور و موضوع واحد است که از طریق روش های موجه و مقبول به دست آمده است. این نظام معرفتی دانش منظم، همگانی، واقعی و حقیقی را درباره جهان، اعم از طبیعی و اجتماعی، تولید می کند. این دانش باید به صورت منظم و مسنجم در مورد آنچه فراتر از واقعیت تلقی می کند تولید شود که برای جامعه علمی مربوطه، در اینجا روابط بین الملل، قابل درک و فهم باشد. از این رو، علم تنها به شناخت و معرفت تجربی محض محدود و منحصر نمی شود که با روش تجربی صرف به دست آید.

۸- علم اجتماعی

علم اجتماعی به صورت ادراک یا باور صادق مطابق با جهان واقع و واقعیت های اجتماعی تعریف می شود. معرفت شناسی و علم اجتماعی اسلامی نیز واقع گرا و واقع نماست. شرط تحقق علم اجتماعی مطابقت صورتِ ذهنی حاصل از واقعیت اجتماعی با مطابق واقعی آن به معنای نفس الامر است.

علم اجتماعی به عنوان یک منظومه معرفتی، مجموعه ای منطقی، همساز و مسنجم از گزاره های صادق، معتبر و موجهی است که با به کارگیری روش های موجه و مقبول در باره واقعیت اجتماعی در یک حوزه موضوعی خاص، مانند روابط بین الملل، تولید شده باشد.

۹- علم اسلامی روابط بین الملل

علمی که در قالب جهان بینی و متافیزیک اسلامی تکوین یافته، نظام ارزشی حاکم بر آن اسلامی بوده و بر مبانی فرانظری و پیش فرض های اسلام مبتنی است و بر پایه آن به واقعیت جهان و پدیده های بین المللی می نگرد و آن را تبیین، تفسیر و توجیه می کند.

تمامی گزاره های تجربی و فراتجربی علم اسلامی روابط بین الملل از متن و نص اسلام اکتشاف، استخراج و استنباط نمی شود؛ بلکه بعضی از گزاره های آن از متن دین استخراج و استنباط می شود و جنبه تأسیسی دارد؛ برخی از گزاره ها و مفاهیم دیگر حاصل عقل تجربی، تجربیدی، و شهودی انسان است که چون با اصول، ارزش ها، آموزه ها، معارف و نظام معرفت شناسی اسلامی سازگاری دارد اسلام آن را تأیید کرده و ماهیت امضایی دارد.

علم گزاره ای روابط بین الملل عبارت است از ادراک یا باور صادق مطابق با جهان واقع روابط بین الملل و واقعیت های بین المللی اعم از عینی، ذهنی و اعتباری.

علم روابط بین الملل، به عنوان یک منظومه معرفتی، نیز به صورت مجموعه ای منطقی، همساز و منسجم از باورها و گزاره های معتبر، موجه و صادق مطابق با واقعیت های بین المللی عینی، ذهنی و اعتباری تعریف می شود.

۱۰- نظریه اسلامی روابط بین الملل

مجموعه ای منسجم از مفاهیم، مقولات، تعاریف و گزاره های تجربی و فراتجربی منطقی، همساز و مرتبط (متشکل از پیش فرض های متخذ از منابع و متون اسلامی و منابع و معارف غیر منصوص مورد تأیید اسلام به روش تجربی، عقلی، شهودی و نقلی) که دیدگاه و ایده نظام مند دقیقی را در مورد روابط بین الملل بیان می دارد. با توجه به ماهیت تجربی، عقلی، شهودی و نقلی گزاره ها، اعتبار یابی و موجه سازی آنها نیز بر مبنای شواهد تجربی، عقلی و نقلی صورت می گیرد که نهایتاً به بدیهیات اولیه ختم می شود.

۱۱- روابط بین الملل

تعاملات و روابط انسان ها در قالب جمع های انسانی و نظام های اجتماعی فطری و غریزی درجه اول و دوم، روابط بین الملل به این معنا در دو سطح درون امتی و بین امتی تحقق می یابد؛

در سطح درون امتی تعاملات بین نظام ها و جهان های اجتماعی فطری یا غریزی همسان صورت می گیرد؛ در سطح بین امتی تعاملات بین نظام ها و جهان های اجتماعی فطری و غریزی غیرهمسان صورت می گیرد.

۱۲- نظام بین الملل

نظام بین الملل یک نظام اجتماعی درجه دوم ناشی از تعاملات انسان ها در قالب نظام های اجتماعی درجه اول فطری و غریزی است. به گونه ای که دو نوع نظام بین الملل فطری و غریزی قابل تصور و تحقق است.

۱۳- جهان روابط بین الملل

جهان روابط بین الملل یک واقعیت اجتماعی است که بر حسب این موارد تعریف می شود:

- روابط علی

- قانونمندی ها و نظم حاکم بر روابط بین الملل و پدیده های بین المللی
- انگیزه ها و دلایل کنش کنشگران بین المللی در موقعیت های مختلف
- نظم بین المللی بایسته مقبول و نظم جهانی شایسته مطلوب

۱۴- نظم جهانی اسلامی

نظم جهانی اسلامی عبارت است از: الگوی زندگی و فعالیت اجتماعی فطری بشر بر پایه اهداف، مصالح، ارزش‌ها، حقوق، قواعد و نهاد های مشترک که استعدادها و استحقاق های فطری انسان‌ها در چارچوب سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند.

اصول، مبانی و پیش فرض های نظریه اسلامی روابط بین‌الملل

پرسش آن است که آیا می‌توان نظریه اسلامی روابط بین‌الملل را براساس اصول و مبانی اسلامی تدوین و تبیین کرد؟ براساس دو تعریف و تلقی مختلف از علم و نظریه روابط بین‌الملل می‌توان به این سؤال پاسخ داد.

۱- اثبات گرایی

برمبنای اثبات‌گرایی که قائل به وحدت علم و نظریه است و این دو را عینی و تجربی می‌پندارد، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل ناممکن است. چون نظریه تجربی واقعیت روابط بین‌الملل که مستقل از نظریه پرداز در جهان بیرون قرار دارد را تبیین می‌کند. از این رو، نظریه روابط بین‌الملل اسلامی و غیراسلامی بی‌معنی است.

۲- فرااثبات گرایی

برمبنای تعریف و تلقی فرااثبات‌گرا از علم و نظریه روابط بین‌الملل که قائل به ساخت اجتماعی این دو است، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل نیز موجه و ممکن است. چون اسلام و مسلمانان نیز می‌توانند از منظر خاصی به جهان روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی بنگرند که ناشی از جهان بینی و مبانی و مفروضه‌های متفاوت آنان است. نظریه اسلامی روابط بین‌الملل معنادار و امکان‌پذیر است اگرچه ممکن است هنوز یک نظریه مدون اسلامی روابط بین‌الملل در دست نباشد، ولی می‌توان اصول و مبانی آن را از معارف و آموزه‌های اسلامی استخراج کرد.

اصول هستی‌شناختی

۱- واقع‌گرایی تکثرگرا

واقع‌گرایی در هستی‌شناسی اسلامی روابط بین‌الملل بدان معناست که پدیده‌های بین‌المللی، نظام بین‌الملل و روابط بین‌الملل واقعیت‌های اجتماعی هستند.

واقعیت‌های بین‌المللی وجودهای ذهنی محض و بریده از واقعیت‌های حقیقی و خارجی نیستند که هیچ سهمی از وجود و تأثیر خارجی نداشته باشند.

افزون بر این، جهان واقعی روابط بین‌الملل جهان محسوس صرف نیست؛ واقعیت‌های بین‌المللی نیز متکثر بوده و فراتر از پدیده‌ها، نیروها و ساختارهای مادی مشهود رفته و شامل امور مشاهده‌ناپذیر و نامحسوس نیز می‌شوند. وجود اعتباری و ماهیت برساخته واقعیت‌ها و پدیده‌های بین‌المللی متضمن و مستلزم نفی و انکار وجود واقعی و حتی بهره‌آنها از وجود خارجی نیست.

۲- جوهر گرایی حداقل گرایی

جوهر گرایی بدان معنا است که واقعیت‌ها و پدیده‌های بین‌المللی ماهیت و ویژگی‌های متمایز و مستمری دارند که تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند فاقد و عاری از آنها باشند که وجه هویت ساز و تمایز بخش آنها است. رابطه تنگاتنگ و استواری بین جوهر‌گرایی و علیت صوری برقرار است. به گونه‌ای که کشف جوهر پدیده‌های بین‌المللی متضمن و مستلزم تبیین علت صوری آنها است.

از این رو، افراد و انواع یک جامعه، هویت، مقوله، طبقه، گروه، و پدیده، مانند دولت و ملت، دارای ویژگی های مشترک پایداری هستند که آنها را تحت عنوان واحدی قرار داده و از مقولات دیگر متمایز می سازد. جوهر گرایی تلاش می کند تا خصوصیات حقیقی و مستمر پدیده ها و جهان روابط بین الملل آن گونه که فی نفسه هستند را کشف و تبیین کند.

۳- تکثر گرایی علمی

بر مبنای هستی شناسی اسلامی اصل علیت بر نظام بین الملل و پدیده های بین المللی حاکم است. بر پایه علیت طولی و تشکیکی علل و روابط علی متعدد و متکثری بر پدیده های بین المللی و نظام بین الملل حاکم است.

تکثر گرایی علمی، از یک سو، بر خلاف تفسیرگرایی رادیکال، اصل علیت در جهان روابط بین الملل را می پذیرد؛ اثبات گرایی، آن را به علیت فاعلی مکانیکی صرف محدود و منحصر نمی کند. براین اساس، روابط علی حاکم بر پدیده های بین المللی، آن گونه که نظریه های تبیینی اثبات گرا ادعا می کنند، صرفاً از نوع علیت فاعلی مکانیکی نیست، بلکه متضمن علیت مادی، صوری و غایی نیز می باشد. مفهوم و منزلت علت موجد، مَبْقِیَه، مُعَدَّه، ناقصه و تامّه در هستی شناسی اسلامی نیز متضمن نوع دیگری از تکثرگرایی علمی در روابط بین الملل است. علت موجد و مبقیه یک پدیده بین المللی ممکن است واحد یا متفاوت باشند.

۴- اراده گرایی: عاملیت و کارگزاری کنشگران بین المللی

بر اساس اراده و اختیار ذاتی انسان و کارزار اجتماعی در هستی شناسی اسلامی کنشگران بین المللی، اعم از افراد، گروه ها و جوامع انسانی، از عاملیت و شأن کارگزاری برخوردارند. این کارگزاران اسیر جبر ساختار مادی و اجتماعی نظام بین الملل نبوده و قادر به تغییر و تحول و اصلاح آن هستند. به گونه ای که ماهیت و هویت مستقل نظام بین الملل و ساختار بین المللی متضمن و مستلزم نفی کارگزاری و عاملیت بازیگران بین المللی نیست؛ چون نظام بین الملل و ساختار بین المللی تنها کنشگران را محدود و مقید و توانمند و مؤثر می سازد.

۵- تعامل گرایی: قوام بخشی متقابل ساختار و کارگزار

همان گونه که در سطح جامعه داخلی تعامل تکوینی بین ساختار و کارگزار وجود دارد، در سطح بین المللی نیز این قاعده برقرار است. جوامع انسانی مختلف با توجه به عمل و رفتار فطری یا غریزی هویت متعینی می یابند. این بازیگران اجتماعی اگرچه قبل از ورود به جامعه دارای هویت ذاتی هستند ولی در کنار هم جامعه بین المللی را شکل می دهند که دارای مرتبه ای از وجود حقیقی است. به طوری که یک نظام اجتماعی درجه دومی در قالب جامعه بین المللی شکل می گیرد که از سهمی از عینیت برخوردار است. اما از آنجا که بازیگران بین المللی در وجود نظام یا جامعه بین المللی مستحیل نمی شوند و این نظام وجود واحدی نمی یابد، دال بر اصالت و آزادی عمل آنان در عرصه بین المللی می باشد.

۶- عقل گرایی: عقلانیت دوگانه کنشگران بین المللی

بازیگران بین‌المللی، اعم از افراد و جوامع بشری، براساس عقلانیت عمل کرده و رفتاری عقلانی دارند. این نوع عقلانیت اقتضای فطرت انسانی و الهی است. به طوری که هرچه فرد و جامعه از فطرت خود دور شده و از آن غافل باشد تأثیرگذاری عقل ذاتی و اخلاقی کاهش یافته و عقل ابزاری غلبه می‌یابد. کنشگران اجتماعی صرفاً برپایه عقلانیت ابزاری مبتنی بر تحلیل هزینه - فایده مادی عمل نمی‌کنند. بلکه تصمیمات برپایه تعامل عقل نظری، عملی، هنجاری، ذاتی، ارتباطی، و ابزاری در چارچوب عقل جامع اتخاذ می‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت عقلانیت دوگانه‌ای بر بازیگران بین‌المللی حاکم است. به گونه‌ای که بازیگران فطری صرفاً براساس عقلانیت ابزاری و منطق نتیجه اقدام نمی‌کنند، بلکه علاوه بر آن از عقل معاد و اخلاقی نیز برخوردارند و برپایه منطق مسئولیت و تکلیف الهی عمل می‌کنند. از سوی دیگر، بازیگران غریزی صرفاً از عقلانیت ابزاری و منطق نتیجه که مبتنی بر فایده جویی صرف است رفتار می‌نمایند.

۷- امت محوری: جهان‌های متعدد

انسان‌ها به‌رغم اشتراک در فطرت، به‌عنوان حقیقت مشترک انسانی، از نظر سطح آگاهی، ادراکات، اراده و مرتبه وجودی اختلافات واقعی دارند که آنان را از هم متمایز می‌سازد. انسان‌ها به‌ویژه، در اثر اینکه فطرت آنان چگونه در عمل فعلیت یابد، هویت‌های متفاوتی پیدا می‌کنند. انسان‌ها علاوه بر هویت فردی از هویت جمعی متعین و متشکلی در قالب گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی مختلف مانند قوم، قبیله و ملت و امت برخوردار می‌شوند. درنهایت دو نوع هویت فردی «فطری» و «غریزی» و دو هویت جمعی «جهان حیوانی» و «جهان انسانی» در عرصه جهانی تعین و شکل می‌یابد. چون نسبت این همانی بین انسان و جامعه فطری و دینی برقرار است، دو امت دیندار و بی‌دین در سطح بشریت تشکیل می‌شود. از آنجاکه تنها دین حق و مقبول نزد خداوند نیز اسلام است، امت دیندار در قالب امت اسلام به عنوان «امت وسط» متعین می‌شود.

۸- همگرایی انسان: جامعه جهانی وحدت

هستی‌شناسی توحیدی اسلامی دال بر این واقعیت است که به‌علت ذات واحد ثابت و اشتراک و یکسانی ساختار فطری، هدف و پایان سیر وجودی، مبدأ فاعلی، مبدأ غایی و مبدأ مبادی همه انسان‌ها، سرانجام نوع بشر همگرا و متحد خواهد شد. به گونه‌ای که انسان‌ها دوباره، مانند اول خلقت، امت واحدی را تشکیل خواهند داد. جامعه و نظم جهانی اسلامی، ناظر بر چگونگی بازسازی و تحقق وحدت و کلیت تکوینی و طبیعی جهان بشریت است که دچار تشتت و تفرق عارضی شده است. چون دین مبین اسلام به وحدت نوعی انسان قائل است. به گونه‌ای که همه افراد بشر به‌رغم تفاوتها و تشخص‌های اولیه و طبیعی که دارند، از اشتراکات و شباهت‌های بسیاری نیز برخوردارند.

۹- قاعده‌مندی پدیده‌های بین‌الملل

بر اساس تداوم و تغییر جهان روابط بین‌الملل و واقعیت‌های بین‌المللی قوانین و قواعد حاکم بر آنها نیز به دو دسته مستمر و متغیر تقسیم می‌شوند. از یک سو، بر جهان روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی قوانین و الگوهای مستمر و قابل تبیینی حاکم است که بیانگر روابط ثابت بین دو متغیرند و در گذر زمان دستخوش تغییر و

تحول نمی‌شوند. آیاتی از قرآن کریم که انسان‌ها را به تدبیر و تأمل در سرنوشت جوامع و حوادث تاریخی پیشین دعوت می‌کند بیانگر این واقعیت اجتماعی است (روم: ۴۲). از سوی دیگر، پدیده‌های گوناگون بین‌المللی به واسطه بعضی از نیازها و ویژگی‌های جوامع انسانی در ادوار مختلف از الگوها، قواعد و قوانین متفاوت و متغیری پیروی می‌کنند.

۱۰- تحول‌گرایی: اصلاح‌پذیری روابط بین‌الملل

بر پایه هستی‌شناسی اسلامی روابط بین‌الملل موجود و نظم و نظام بین‌الملل مستقر به طور عام قابل‌تغییر، تحول و بهبود است.

این اصول هستی‌شناسی اسلامی متضمن و مستلزم تحول‌پذیری و امکان اصلاح روابط بین‌الملل است: ساختار وجودی، سرشت فطری و حرکت جوهری انسان‌ها؛ اراده و اختیار انسان و جوامع انسانی؛ ماهیت اجتماعی و اعتباری نظم و نظام بین‌الملل؛ اصالت ذاتی ارزش‌های انسانی که در فطرت بشر ریشه دارد.

اصل معرفت‌شناسی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل

بر اساس نظام معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی اصول معرفت‌شناختی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل را می‌توان در قالب این ویژگی‌ها تدوین و تبیین کرد:

۱) واقع‌گرایی معرفت‌شناختی

بر اساس حیثیت وجودی و جنبه واقع‌نمایی علم و ملاک صدق گزاره‌های معرفتی و نظری در معرفت‌شناسی اسلامی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل یک نظریه واقع‌گرا است.

این نظریه واقع‌گرا قائل به امکان شناخت حقیقی واقعیت موجود و ممکن جهان روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی است. این واقعیت، به عنوان یک جهان اجتماعی، بر حسب روابط علی، قانونمندی‌ها و نظم حاکم بر روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی، انگیزه‌ها و دلایل کنش‌کنشگران بین‌المللی در موقعیت‌های مختلف، نظم بین‌المللی بایسته‌مقبول و نظم جهانی شایسته مطلوب تعریف می‌شود.

از این رو، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل در صدد تبیین (علت‌یاب و معناکاوا) روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی، نقد و آسیب‌شناسی نظم موجود بین‌المللی بر حسب نظم بایسته‌مقبول، و ارائه الگوی نظم جهانی شایسته و مطلوب است.

موضوع و متعلق شناخت در نظریه اسلامی روابط بین‌الملل واقعیت بین‌المللی اعم از عینی، ذهنی و اعتباری است. اما حتی اگر متعلق و موضوع این نظریه اعتباریاتی تلقی شوند که انسان‌ها بنابر ضرورت‌های عمل در جامعه بین‌المللی وضع و اعتبار کرده‌اند، باز خللی در واقع‌گرایی آن ایجاد نمی‌شود. چون این گونه اعتباریاتی اجتماعی، ناشی از اعتبار انسان‌ها و جوامع انسانی، نیز سهم و بهره‌ای از وجود حقیقی داشته و مرتبه‌ای از آن می‌باشند.

۲) جوهر‌گرایی معرفت‌شناسی

بر مبنای جوهر‌گرایی هستی‌شناختی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل جوهر‌گرایی معرفت‌شناختی نیز می‌باشد. جوهر‌گرایی معرفت‌شناختی بدان معنا است که امکان شناخت جوهر و ویژگی‌های خاص واقعیت‌ها و پدیده‌های بین‌المللی وجود دارد.

این نظریه تلاش می کند تا خصوصیات حقیقی و مستمر پدیده ها و جهان روابط بین الملل آن گونه که فی نفسه هستند را کشف و تبیین کند. از این رو، تبیین صوری نیز ضرورت می یابد. زیرا، کشف جوهر پدیده های بین المللی متضمن و مستلزم تبیین علت صوری، فراتر از تبیین علت فاعلی، آنها است. امری که خود مستلزم فراتر رفتن از حس و تجربه صرف و استفاده از منابع و ابزار های دیگر شناخت از جمله عقل می باشد.

۳) تکثر گرایی معرفت شناسی

تکثر گرایی معرفت شناختی در نظریه اسلامی روابط بین الملل به معنای تکثر هدف، منابع، و موجه سازی است. نظریه اسلامی روابط بین الملل از حیث منابع معرفتی نیز تکثرگراست. چون معرفت و علم دارای انواع و اقسام مختلفی است و تنها به دو نوع معرفت تجربی - حسی و عقلی - برهانی محدود و منحصر نمی شود. بلکه علاوه بر آن دانش و معرفت شهودی و وحیانی نیز امکان و حقیقت دارد. از این رو، نظریه اسلامی روابط بین الملل در هر دو مقام گردآوری و داوری می تواند برپایه تجمیع و تلفیق این منابع و معارف چهارگانه پردازش و ارائه شود. تکثرگرایی نظریه اسلامی روابط بین الملل از حیث هدف متضمن تبیین، تفهم، و نقد نظم و نظام بین الملل موجود و ترسیم و تبیین نظم و نظام جهانی ممکن و مطلوب است. از این رو، نظریه اسلامی روابط بین الملل هویت و ماهیتی تبیینی، تکوینی، انتقادی، و هنجاری دارد.

۳-۱) تعدد و تکثر معیار و شاخص صدق گزاره های نظریه اسلامی روابط بین الملل.

بر اساس معرفت شناسی فلسفه اسلامی، ملاک صدق گزاره های نظریه اسلامی روابط بین الملل مطابقت با واقع و نفس الامر، اعم از عینی، ذهنی، و اعتباری است. با توجه به ماهیت تجربی، عقلی، و نقلی گزاره های نظریه اسلامی روابط بین الملل معیارهای مختلفی برای موجه سازی آنها وجود دارد. مطابقت با شواهد عینی خارجی از طریق آزمون تجربی تنها می تواند معیار اعتبار و موجه سازی گزاره های تجربی و حسی باشد؛ اما این معیار برای موجه سازی گزاره های غیرتجربی این نظریه معقول و مناسب نیست.

بر اساس قول و خوانش مشهور در نظام معرفت شناسی فلسفه اسلامی، معیار و دلیل حقیقت و صدق گزاره های نظریه اسلامی بداهت عقلی یا بازگرداندن و ختم به بدیهیات اولیه و شناخت بدیهی است. یعنی معیار معرفت خود معرفت به معنای شناخت خود معیار است. اما افزون بر این، سه معیار اعتبار مرجع صدور، سازگاری و انسجام با منظومه معرفتی معتبر و مقبول، و سودمندی نتایج نیز برای موجه سازی گزاره های این نظریه به کار می رود

۴) مبنای معرفت شناختی

نظریه اسلامی روابط بین الملل، در هر دو مقام گردآوری و داوری مبنای معرفت شناختی دارد. در مقام گردآوری یا کشف این نظریه قائل به ابتناء علم بر ادراکات دقیق حسی به معنای مشاهدات و داده های اولیه تجربی، از یک سو، و بدیهیات اولیه عقلی به معنای مبانی مُتَبَيِّن و خلل ناپذیر عقلی، از سوی دیگر، است. از این رو، علم و نظریه روابط بین الملل بر مبنای تلفیق داده های اولیه حسی و بدیهیات عقلی تأسیس و تولید می شود.

در مقام داوری یا توجیه، مبنا و ملاک صدق نظریه اسلامی روابط بین‌الملل مطابقت با واقع و معیار سنجش و ارزیابی آن نیز شناخت خودمعیار به معنای ادراکات بدیهی یا بدیهیات اولیه است. به گونه ای که نظریاتی موجه و معتبرند که بر شناخت بدیهی استوار باشند و به بدیهیات بازگردند.

لذا، کلیه نظریه‌های روابط بین‌الملل نمی‌توانند به طور علی‌السویه صادق باشند، بلکه بعضی از آنها صادق و برخی دیگر کاذبند. از این رو، حقیقت (به معنای مطابقت با واقع) دائمی است و براساس شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی - فرهنگی تغییر نمی‌کند. به عبارت دیگر، حقیقت نسبی نیست بلکه مطلق و دائمی است. به گونه‌ای که دو ادراک، معرفت، گزاره یا نظریه نمی‌توانند به طور یکسان از حقیقت واحد حکایت کنند. بلکه درجه واقع‌نمایی هر یک از نظریه‌ها از مراتب، وجوه و ابعاد یک حقیقت و واقعیت واحد ممکن است متفاوت و مشکک باشد.

(۵) تعامل‌گرایی ارزشی: تعامل دانش و ارزش

بر پایه تعامل ارزش و واقعیت، دانش و ارزش نیز متعامل و مرتبطند. از این رو، ماهیت واقع‌گرا و واقع‌نمای نظریه اسلامی روابط بین‌الملل متضمن و مستلزم نفی تأثیرگذاری نظام ارزش‌های فردی و اجتماعی، و روابط و ساختار اجتماعی بر آن نیست.

نظریه اسلامی روابط بین‌الملل ماهیت هنجاری، تجویزی و تقویمی دارد که متضمن تعامل ارزش و دانش است.

تأثیرگذاری ارزش‌ها بر نظریه اسلامی روابط بین‌الملل به معنای پذیرش نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی نیست.

نظام ارزش‌های فردی و اجتماعی در مقام اثبات نظریه را متأثر می‌سازد نه در مقام ثبوت.

ارزش‌ها بر چگونگی دریافت و ادراک نظریه‌پرداز از واقعیت‌های روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارند نه بر جنبه کاشفیت و صدق و کذب نظریه روابط بین‌الملل.

حقیقت، یعنی مطابقت با نفس الامر، تحت تأثیر چگونگی نگرش و رویکرد نظریه‌پرداز قرار نمی‌گیرد. زیرا، یک گزاره یا نظریه ناشی از ادراک نظریه‌پرداز در نسبت با واقعیت بین‌المللی یا بر آن منطبق هست یا نیست و نمی‌تواند همزمان صادق و کاذب باشد.

(۶) تنوع و تکامل‌گرایی

اگر روابط بین‌الملل یک علم اعتباری محض تلقی شود، که متعلق آن کاملاً ذهنی بوده و هیچ بهره‌ای از وجود خارجی ندارد، در این صورت نظریه روابط بین‌الملل متنوع بوده که تغییر و تحول یکی از ویژگی‌های ماهوی آن است.

اگر روابط بین‌الملل، از آن جهت که واقعیت‌های بین‌المللی را می‌نمایاند، گونه‌ای از علم حقیقی تلقی گردد باز امکان تنوع و تحول نظریه‌های آن وجود دارد.

حقیقت‌تشکیکی علم و واقع‌نمایی تشکیکی آن متضمن پردازش نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل است که هر یک درجه و میزانی از واقعیت و حقیقت جهان روابط بین‌الملل را آشکار می‌سازند. با این وجود، تنوع، تحول و تکامل نظری به معنای نسبی‌گرایی معرفتی و نظری نیست که در نظام معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی مردود می‌باشد.

(۷) عام‌گرایی و کلان‌نگری

اگر نظریه، به تبع علم، ذاتاً لایشرط و لا اقتضاء باشد نظریه کلان و عام اسلامی نیز ممکن و موجه است. چون نظریه در مقام ثبوت واقع نما و کاشف از واقعیت بوده و جهت گیری ارزشی ندارد. ولی اگر علم و نظریه ذاتاً جهت دار و ارزش بار باشد نظریه اسلامی تنها در صورت عمومیت، اطلاق و جهان شمولی ارزش های آن ممکن و موجه خواهد بود. اطلاق علم در مقام ثبوت و جهت داری آن در مقام اثبات پردازش نظریه عام و در عین حال ارزش بار روابط بین الملل را امکان پذیر می سازد. به گونه ای که این نظریه از حیث واقع نمایی و کاشفیت در مقام ثبوت اطلاق دارد؛ اما از آن جهت که در مقام اثبات و تحقق تحت تأثیر ارزش های فردی و اجتماعی قرار می گیرد محلی و خاص است.

۸) کل نگری و نظام محوری

نظریه اسلامی روابط بین الملل یک نظریه کل نگر و نظام محور است.

کل نگری معرفت شناختی در نظریه اسلامی روابط بین الملل متضمن و به معنای کل گرایی هستی شناختی و روش شناختی صرف نیست. چون کل گرایی هستی شناختی مستلزم جبر گرایی ساختاری و انکار کارگزاری انسان مختار و آزاد و کنشگران بین المللی است. کل گرایی روش شناختی نیز متضمن و مستلزم غفلت از مطالعه و شناخت اجزاء و واحد های تشکیل دهنده نظام جهانی است. در حالی که نظریه اسلامی روابط بین الملل متضمن تعامل گرایی به معنای مطالعه اجزاء و واحدهای بین المللی مرتبط و متعامل در ارتباط با نظام جهانی است.

نظام مندی یا نظام محوری نظریه اسلامی روابط بین الملل از آن جهت است که به مطالعه نظم بین المللی موجود و نظم جهانی مطلوب اسلامی، به عنوان متغیر وابسته، می پردازد.

هدف این نظریه، تبیین رفتار کشورها در نظام بین الملل، چگونگی تعامل آنها با یکدیگر و تأثیرگذاری نظام بین الملل بر کشورها، به عنوان متغیر مستقل، نمی باشد.

نظریه اسلامی روابط بین الملل ماهیت و چگونگی تکوین و امکان نظم بین المللی مستقر و نظام بین الملل موجود، از یک سو، و چگونگی تغییر آن و استقرار نظم بین المللی مطلوب، به عنوان متغیر وابسته، را تبیین و تفسیر کرده و الگو و مفهومی از نظم جهانی را ارائه می دهد.

اصول روش شناختی فرانظریه اسلامی روابط بین الملل

۱- تکثرگرایی تشکیکی

تکثرگرایی تشکیکی به معنای به کارگیری روش شناسی ها و روش های متعدد برای درک سطوح و مراتب مختلف واقعیت و دستیابی به شناخت کامل و جامع از آن است.

روش شناسی ها و روش های متعددی برای درک واقعیت و شناخت ابعاد، وجوه و مراتب مختلف آن ممکن و مناسب می باشد؛ اما همه آنها نهایتاً می توانند به سطوح و درجات متفاوتی از معرفت معتبر و موجه از واقعیت واحدی بیانجامد.

تکثر گرایی تشکیکی متضمن کثرت روش شناسی، از یک سو، و تشکیک روش شناسی، از سوی دیگر، است.

۲- تلفیق گرایی

چارچوب روش‌شناسی تکثرگرایی تشکیکی، تلفیق و ترکیب روش‌های مختلف درون‌دینی و برون‌دینی برای تبیین و تفسیر پدیده‌های بین‌المللی امکان‌پذیر و ضروری است.

در این روش‌شناسی، برخلاف سایر روش‌شناسی‌های وحدت‌گرا، بر استفاده انحصاری از یک روش تأکید و تمرکز نمی‌شود؛

بلکه در آن با تلفیق منطقی روش‌های رایج در حوزه‌های معرفتی متعارف و شاخه‌های مختلف علوم اسلامی از معارف و یافته‌های آنها به‌طور منظم و اسلوب‌مند برای پردازش نظریه اسلامی روابط بین‌الملل استفاده می‌شود.

۳- کثرت‌گرایی روشی

تکثرگرایی روش‌شناختی متضمن باور به امکان و پذیرش نظریه‌های مختلف روش و کاربست روش‌های متعدد برای کشف و درک بیشتر و بهتر واقعیت و حقیقت است. این باور متضمن نسبی‌گرایی روش‌شناختی نیست؛ یعنی این اعتقاد که روش‌شناسی‌ها و پیرو آن روش‌های مختلف علی‌السویه بوده و به یک میزان برای تبیین و فهم واقعیت بین‌المللی مطلوبیت و مناسبت دارند.

کثرت‌گرایی روشی به معنای به‌کارگیری و کاربست رهیافت‌ها و روش‌های مختلف برای تبیین، تفهم و تفسیر روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی به فراخور موضوع و متعلق شناخت است.

نه تنها برای مطالعه و شناخت پدیده‌های مختلف بین‌المللی روش‌های متنوعی ضرورت می‌یابد، بلکه تبیین و تفسیر ابعاد و مراتب یک پدیده و واقعیت واحد نیز ممکن است مستلزم استفاده از روش‌های موازی و مکمل باشد. بر این اساس، می‌توان از روش‌های درون‌دینی و برون‌دینی تجربی - حسی، عقلی - فلسفی، نقلی - تاریخی، فلسفی - کلامی، شهودی - عرفانی، و تفسیری - تأویلی همزمان و توأمان بهره‌گرفت.

۴- تعامل‌گرایی روش‌شناختی

روش‌شناسی تکثرگرایی تشکیکی متضمن رابطه‌گرایی یا تعامل‌گرایی روش‌شناختی است. به گونه‌ای که شناخت و تحلیل روابط و نظام بین‌الملل، به عنوان یک کل و منظومه واحد متشکل از پدیده‌ها، واقعیت‌ها و کنشگران مرتبط، تعامل و به هم پیوسته، از طریق مطالعه و شناخت کنش و رفتار کنشگران بین‌المللی در زمینه اجتماعی و منطبق موقعیت حاصل می‌شود.

پیامدها و دست‌آورد نظریه آثار علمی و کاربردی مترتب بر آن

مهمترین دست‌آوردها و پیامدهای نظری و عملی این نظریه را می‌توان در این محورها و موارد تلخیص کرد

اول، تدوین و تبیین فرآیندهای اسلامی روابط بین‌الملل، به عنوان یک نظریه نوع دوم، بستر نظری لازم برای پردازش نظریه اسلامی روابط بین‌الملل از نوع اول را فراهم می‌کند.

دوم، تسهیل فرآیند نظریه‌پردازی اسلامی روابط بین‌الملل. زیرا، برای پردازش نظریه اسلامی روابط بین‌الملل نخست باید مبانی فلسفی و فرآیندی آن را در قالب یک فرآیند تدوین و تبیین کرد.

سوم، فراهم آوردن بستر و زمینه فرآیندی لازم برای نقد و بررسی نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل که بر مبنای فرآیندی و متفاوتی از اسلام استوارند.

چهارم، این نظریه اگرچه مستقیماً به پرسش‌های نوع اول معطوف به موضوعات و مسائل انضمامی روابط بین‌الملل نمی‌پردازد ولی پیش‌نیاز درک، فهم و تبیین درست آنهاست. به گونه‌ای که بدون پاسخگویی به پرسش‌های نوع دوم نمی‌توان به پرسش‌های نوع اول پاسخ گفت و مسائل انضمامی روابط بین‌الملل را تبیین و تحلیل کرد.

پنجم، این نظریه می‌تواند به عنوان یکی از منابع دروس «نقد و ارزیابی تئوری‌های روابط بین‌الملل» و «روش شناخت روابط بین‌الملل» در مقطع دکترا و درس «نظریه‌ها و تئوری‌های روابط بین‌الملل» در مقطع کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.